



عالم سحر و کهنات

مؤلف

خدیجه محمدی



نشر اراده

۱۳۹۴

فهرست

۷	۱- علم سحر
۷	۱-۱- معنانشناسی سحر
۱۰	۲- تفاوت سحر با اعجاز
۱۳	۳-۱- اقسام سحر
۱۵	۴-۱- سحر نزد اقوام گذشته
۲۲	۵-۱- تهمت سحر به پیامبران
۲۴	۶-۱- هاروت و ماروت
۲۷	۷-۱- آثار سحر در جوامع رقی کنونی
۲۸	۲- علم نجوم
۳۳	۱-۲- علم نجوم در اسلام
۳۸	۲-۲- علماء نجوم
۴۱	۳- علم عزائم
۴۴	۴- علم عیافه
۴۶	۵- علم عرافه
۴۸	۶- علم استحضار
۵۰	۷- علم فال و زجر و طیره
۵۸	۱-۷- آزالام
۶۱	۸- علم رمل
۶۳	۱-۸- کیفیت علم رمل
۶۷	۹- علم رقی
۷۶	۱۲- علم تعبیر رؤیا
۷۷	۱-۱۲- معنا و مفهوم رؤیا

۸۱	۲-۱۲ اقسام خواب و رؤیا
۸۲	۳-۱۲ ویژگی علمی تعبیر رؤیا
۸۶	۱۳-علم طلسمات (هیما)
۹۱	۱۴-علم سیمیا
۹۴	۱۵-علم اختیارات
۹۵	۱۶-علم شعبده و تخیلات
۹۸	۳-آراء علمای اسلامی در باب علم سحر و کهنات و علوم غریبه مرتبط با آن
۱۰۵	فهرست منابع

بسیاری سحر و کهانت را مادر علوم می دانند و بر آنند که ریشه علم های مختلف به خرافات و موهومات نخستین بر می گردد. از این رو می بایست، کاهنان و ساحران را نخستین حافظان و انتقال دهندگان علم و فرهنگ دانست. در واقع کاهنان، تنها گروهی بودند که در عصر های قدیم با دانش های مادی که از تجربه های مختلف بدست آورده بودند، آشنا بودند. اما برای حفظ مقام خود و تثبیت موقعیتی که داشتند، آن را از مردم عادی پنهان نگه می داشتند. تا مردم تصور کنند که تسخیر نیروها و دیگر کارهای عجیب از نیروی ماورای طبیعت است.

به عقیده میراث این سر که تخصص عظیمی در جمع آوری دلایل برای اخذ نتایج دارد، کاهنان ها آنکس که نخستین ادیبان بوده اند، اولین دانشمندان به شمار می روند، علم از مشاهدات و رصد های فلکی آغاز می شود که منظور از آن ها، تعیین دقیق جغرافیای این بوده است. این گونه معلومات و اطلاعات در معابد حفظ می شد و به عنوان میراث دینی از نسلی به نسل دیگر انتقال می یافته است.^۱

اما علم کهانت و سحر در طبقه بندی علوم که توسط علماء و دانشمندان صورت گرفته است، جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده اند که در این طبقه بندی علمی را می توان یافت که بی ارتباط با علم کهانت نبوده و برخی، فروع این علم را تشکیل می دهند. به عنوان مثال، در طبقه بندی علوم که توسط ابن خلدون صورت گرفته است، علم سحر و طلسمات، شاخه ای از علم

۱- تاریخ تمدن، بویل دورانت، ۱/۲۱.

الهیات و علم احکام نجوم شاخه ای از علم مقادیر یا تعالیم است که این دو علم از فروع علوم عقلی ذکر شده‌اند.^۱

در طبقه بندی علوم فارابی در کتاب احصاء العلوم، علوم غریبه جایگاهی نداشته و فقط علم احکام نجوم به عنوان شاخه ای از علم تعالیم آمده است.^۲ محمدبن محمود آملی نیز در کتاب نفایس الفنون، علم سیمیا و علم و علم فراست و احکام نجوم را از فروع علوم طبیعی معرفی کرده و علم طلسمات و علم عزائم را به عنوان شاخه هایی از علم سیمیا آورده است و علم رمل و ثنید را در فروع علوم ریاضی جای داده است.^۳

اما بهترین طبقه بندی علوم غریبه، در کتاب مفتاح السعاده و مصباح السیاده نوشته احمدبن محمد صطفی^۴ آمده است. که دکتر علی اصغر حلبی نیز در کتاب تاریخ مصور اسلام^۵ از آن آورده است که نمودار بدین صورت است:

در این طبقه بندی کهنات، فروع علوم سحر کم آن نیز شاخه ای از علوم طبیعی است. و همانطور که متناهی می کنیم، تمام علوم به طور مستقیم یا غیر مستقیم با علم کهنات و دیگر علوم مرتبط هستند.

اما بر اساس موضوع پروژه که پیشگویی و کهنات در اسلام می باشد، علمی که مرتبط با پیشگویی بوده و در کهنات کاربرد داشته اند معرفی و بررسی

۱- علم و تمدن در اسلام، حسین نصر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ۴۹.

۲- علم و تمدن در اسلام، ۴۶.

۳- نفایس الفنون، محمدبن محمود آملی، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۸۱، ش ۲۰/۱.

۴- مفتاح السعاده و مصباح السیاده فی موضوعات علوم، احمدبن محمد صطفی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا، ۲۹۷/۱.

۵- تاریخ تمدن اسلامی، علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر، چاپ اول، ۱۳۶۵، ش ۲۱۲.

شده و بر اساس ارتباط بیشتری که با موضوع داشته اند، طبقه بندی می شوند.

۱- علم سحر

۱-۱- معناشناسی سحر

در باب واژه سحر ارباب لغت، نظرات مختلفی را ارائه کرده اند که پرداختن به این نظرات در روشن شدن معنای سحر کمک خواهد کرد.

ابن فارس در باب ماده «سحر» سه اصل متباین از هم ذکر می کند: سحر به فتح سین و سکون حاء، به معنای عضوی از اعضاء (شُش) و سحر به فتح سین و حاء به معنای وقتی از اوقات (نزدیک صبح) است و سِحْرٌ به کسر سین و سکون حاء به معنای خدعه و شبه آن که حق را به صورت باطل در آوردن است.

راغب اصفهانی نیز برای این واژه سه معنا قائل است:

۱- نیرنگ و خیال پردازی هایی که حقیقتی ندارد؛ نظیر آنچه شعبده باز از طریق چشم بندی ها انجام می دهد و آیه (سُرَّوْا عَیْنَ النَّاسِ وَاسْتَزْهِبُوهُمْ)^۲ به آن ناظر است.

۲- جلب معاونت و یاری شیاطین جن از طریق افعال که سبب تقرب به آنان می شود. «هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ»^۳ به آن اشاره دارد.

۳- آنچه به عنوان تغییر صورت و تغییر طبیعت اشیاء، من تَبِیَّحَ الْبَاسَانَ بِهٖ صَوْرَتِ حَيَّوَانٍ مِّطْرَحٍ است که حقیقت ندارد و پنداری بیش نیست.^۴

۱- مقاییس اللغة، ۱۳۸/۳، س ح ر.

۲- اعراف، ۱۱۶.

۳- شعراء، ۲۲۱.

۴- مفردات، ۱۹۱/۲.